

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - 23 اپریل 2013

کابوس

روکش آسمان ظلمت بود و ستارگان در حفرگاه شب نابود گشته بودند. تیر قامت بلند صنوبرها از کمان نگاهم جست و انبار سیاه تاریکی نشانی از نور و تابندگی نداشت. عطر شبوها میان منفدهای حصار باغچه پر میزد و گاهی هم محدوده پرواز را پیرامون کوچه خاموش و حزین برمیگزید. با گامهای آرام عابرین سایه هراس گنگ در کوچه سر میزد و نجوای برگها لای شاخه ها میخسکید. پلکهایم، بی تکان میان شعله شمع، گذر لحظه ها را قطره قطره میشمرد و انگشتانم اوراق کهنه دیوان افسانه ئی حافظ را امیدوارانه لمس میکرد. وحشت تنهایی سبوی دقایق را لبالب نموده بود و نیایشهایم در محراب عبادت مایه نمییست.

آه! همه هستیم از رنگ نگاه تو پر شده بود، همه هستیم کابوس هراس انگیز بود که با حجم تاریک شب مقابله مینمود. در گاهنامه عمرم رنگها رنگ باختند، ولی تیرگی فصل هجرت تو جاودانه ماند. سوگنامه قول و قرارت را در زمانه تلخ تنهائیم هرشب تکرار تکرار میخوانم. هرچند جفایت بی شمار ستارگان آرزوهایم را از مدار تابش دور نموده، ولی هنوز تو با منی و جوانه یادت در خاطرم بزرگ میشود.